

مستقران

سوده و سیمرغ

نویسنده

محمد حنیف

www.ketab.ir

■ عنوان: مستوران، سوده و سیمرغ ■ نویسنده: محمد حنیف ■
■ ناشر: دوچرخه ■ نوبت چاپ: چاپ اول، زمستان ۱۴۰۰ ■ شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه ■

■ سرشناسه: حنیف، محمد، ۱۳۴۰ ■ عنوان و نام پدیدآور: مستوران: سوده و سیمرغ/محمد حنیف
■ مشخصات نشر: تهران: نشر دوچرخه، ۱۴۰۰ ■ مشخصات ظاهری: ۳۶۲ص ■ وضعیت فهرست



نشر دوچرخه

WWW.DOCHARKHEH.ORG
INFO@DOCHARKHEH.ORG

www.ketab.ir

مدیر هنری: علیرضا بخشی ■ طراح جلد: سارا حنیف ■ مدیر فنی: محمد جواد یوسفی ■ چاپ: ایلیا ■ قیمت: ۱۲۰,۰۰۰ تومان ■
تلفن تماس: ۰۹۲۲۴۹۴۱۶۹۹ ■ شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۵۳۸۶-۲۰۱ ■ با همکاری: استودیو فیلم و سریال بادبان ■

نویسنده: فیبا ■ شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۵۳۸۶-۲۰۱ ■ موضوع: داستان‌های فارسی - قرن ۱۴ ■ موضوع: Persian fiction - 20th century ■
رده بندی کنگره: PIR۸۰۳۱ ■ رده بندی دیویی: ۸۵۳/۶۲ ■ شماره کتابشناسی ملی: ۸۴۴۵۳۲۵ ■ اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

منطق الطیر عطار در مقایسه با رساله الطیرهای ابن سینا، محمد غزالی، شهاب الدین سهروردی، نجم الدین رازی و مشهورتر و البته دلنشین تر است. محمد جواد مشکور این اثر بزرگ را چنین خلاصه کرده است: «پرنندگان انجمن کردند تا پادشاهی برای خود برگزینند؛ اما هدیه نوزانه گفت که ایشان را خود سلطانی باشد و آن سیمرغ است و طالبان او و جویندگان آن پادشاه باید در راه طلب مقصود جد و جهد نمایند و بر مشکلات بسیار فایق آیند.... سالکان این طریق بایستی از هفت وادی یعنی هفت دره پر خطر بگذرند تا به مطلوب برسند.

پرنندگان که طالب دیدار سیمرغ بودند با وجود همه مشکلات راه، طریق سفر اختیار کردند و برای وصول به سرمنزل سیمرغ که در قاف حقیقت مسکن داشت، هدیه را که سالها درک محضر سلیمان جان را کرده بود، به راهنمایی برگزیدند. اما چون هدیه باز به شرح دشواری ها و سختی های راه پرداخت بیشتر پرنندگان هریک به عذر و بهانه ای ترک سفر کردند... یا اینکه هلاک شدند و از آن همه فقط سی مرغ جان به سلامت بردند و به کعبه مقصود رسیدند و به قصر پادشاه درآمدند و رخصت حضور به درگاه وی یافتند.

پس از آنکه پاک و منزه شدند؛ خورشید سرمدی بر ایشان بتافت و در برابر آیینۀ حق نما قرار گرفتند، بیش از عکس سیمرغ در آن نیافتند که به حقیقت سیمرغ با ایشان یکی است و در میان او و ایشان جدایی نیست.

(مشکور، محمد جواد، مجله هنر و مردم، دوره ۱۵، ش ۱۷۷ و ۱۷۸ (تیر و مرداد ۵۶): ۸۶-۹۰).